

پیشوای صادق (ع) در اندیشه مقام معظم رهبری



در دوران مبارزه با رژیم ستم شاهی و در زمانی که رهبری جامعه؛ مهمترین مساله نهضت اسلامی بود؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای (دامت برکاته) چند سخنرانی درباره تحلیل زندگانی امام ششم (ع) ایراد فرمودند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تحت عنوان «پیشوای صادق (ع)» توسط انتشارات سید جمال منتشر گردید. تاریخ دقیق انجام سخنرانی معلوم نیست؛ ولیکن بین سالهای 45 تا 50 شمسی بوده است. کتاب «پیشوای صادق (ع)» در بین سالهای 58 تا 60 شمسی منتشر شده است. در هر حال، محتوای کتاب هر چند مختصر است؛ اما یکی از بهترین تحلیل‌های سیاسی درباره عملکرد امام صادق (ع) شمرده می‌شود. مباحث این اثر وزین، با رعایت امانت و براساس ترتیب و نظم کتاب به طور خلاصه عبارت از چند نکته ذیل است:

1- دو قضاوت درباره امام صادق (ع) در بین مردم وجود دارد که هر دو محل تامل است. قضاوت اول حمایت آمیز است: آن امام بزرگ، فرصتی طلایی برای تعلیم و تربیت به دست آورد و چنان غرق در نشر علم و دین شد که نتوانست به فریضه امر به معروف و نهی از منکر عمل کند و ناچار شد در مقابل حکام ظلم و جور به مدح و ستایش و تملق پردازد! قضاوت دوم اعتراض‌آمیز است: او در زمانی که ظلم و جنایت از در و دیوار می‌بارید، ره عافیت در پیش گرفت و از رسالت انسانی یک رهبر غفلت ورزید و به درس و بحث دل خوش کرد! در حالی که شیعیانش گرفتار تعقیب و زندان و شکنجه و تبعید و قتل و غارت بودند!

2- هیچ یک از آن دو قضاوت؛ پایه و مایه استوار و صحیحی ندارد. هر دو قضاوت براساس چند روایت مجعول شکل گرفته است که دقت در محتوای آن، ساختگی بودن آن را آشکار می‌سازد؛ زیرا ساحت رفیع امامت بسی پاک‌تر و والاتر از آن است که آلوده به تملق و ستایش بیجا، آن هم نسبت به طاغوت‌ها و ستمگران گردد. علاوه بر آن که برخی از این روایات، اساساً سند ندارد. 3- در برخی از روایات مذکور که سندی برای آن ذکر شده، راوی شخصی است به نام ربیع حاجب. ربیع کیست؟ ربیع آجودان مخصوص منصور خلیفه عباسی و به تعبیر آن روز حاجب او بود. او نزدیک‌ترین و مورد اعتماد‌ترین شخص در دستگاه منصور بود و در سال 153 هجری به مقام وزارت نیز رسید و تا آخر زندگی منصور (سال 158 هجری) در پست وزارت باقی ماند. شگفت آور است که عاقلی، سخن نزدیک‌ترین یار خلیفه را درباره ذلت و تضرع دشمن خلیفه، بی‌هیچ تحقیق و جستجویی بپذیرد! 4- قضاوت دوم (قضاوت اعتراض‌آمیز) سخنی است شبیه داوری‌های شرق شناسان که غالباً آلوده به غرض یا برخاسته از جهل و بی‌خبری است و مبتنی بر بینش مادی و الحادی، مانند قضاوت خاورشناس یهودی؛ فیلیپ حتی درباره صلح امام حسن (ع) و قضاوت خاورشناس مارکسیست؛ پتروشفسکی بعثت رسول اکرم (ص).

5- نظریه و داوری صحیح درباره امام صادق (ع) و سایر امامان علیهم السلام، قضاوت سومی است که با تحقیق در منابع و مآخذ و دقت در آن به دست می‌آید و آن این است: امامان شیعه، همانند خود پیامبر (ص) هدفی جز این نداشتند که نظام عادلانه اسلامی را با همان ویژگی‌ها و اهدافی که قرآن روشن کرده ایجاد کنند و یا استمرار بخشند. زیرا امامت، تداوم نبوت است. براین اساس، برنامه عمومی امامان علیهم السلام دو بخش اساسی و انفکاک ناپذیر داشت:

الف) تبیین ایدئولوژی اسلام.

ب) تأمین قدرت اجرایی و اجتماعی.

6- امامت از نظر تاریخی چهار دوره را پیمود:

الف) سکوت.

ب) قدرت.

ج) شهادت.

د) جهادی دیگر.

دوره اول از رحلت رسول اکرم (ص) شروع شد و با آغاز حکومت امیرالمؤمنین (ع) پایان یافت.

دوره دوم؛ دوره حکومت امام علی (ع) و امام مجتبی (ع) است.

دوره سوم عبارت از بیست سال میانه صلح امام حسن (ع) (سال 41 هجری) و شهادت امام حسین (ع) (سال 61 هجری) است.

دوره چهارم؛ بعد از شهادت سیدالشهداء (ع) تا دو قرن بعد و آغاز غیبت است.

7- امام امیرالمؤمنین علی (ع) در دوره اول که بیست و پنج سال به طول انجامید، برای حفظ اسلام و جلوگیری از اختلاف، دست به قیام مسلحانه نزد و در برابر غاصبان حکومت سکوت کرد و بلکه از روی کمال علاقه و دلسوزی نسبت به اسلام و جامعه اسلامی، آنان را یاری کرد و در مسائل سیاسی، نظامی و غیره راهنمایی نمود. چنانچه این مطلب از نهج‌البلاغه و کتب تاریخ استفاده می‌شود.

8- در دوره دوم، هر چند بسیار کوتاه بود، حدود پنج سال اما یک حکومت صد در صد اسلامی ارائه و حاکم گردید و عدالت

استقرار یافت و ارزشهای جاهلی رخت برپست.

9- در دوره سوم، تلاش برای بازگرداندن قدرت به خاندان پیامبر(ص) در فرصت مناسب، شروع شد و شیعه عملاً به کار نیمه مخفی اهتمام ورزید.

10- دوره چهارم، ادامه دوره سوم و با همان روش و البته به صورت برنامه دراز مدت بود. این دوره، هرچند پیروزی‌ها و شکست‌هایی در مراحل مختلف داشت؛ اما در زمینه کار ایدئولوژیک، به پیروزی قطعی رسید. برای آشنایی با زندگی امام صادق(ع) باید این دوره را بیشتر بررسی کنیم.

11- در دوره چهارم، امامان شیعه علیهم السلام تلاشی مستمر داشتند تا با فعالیت ایدئولوژیک و مبارزه با تحریف، زمینه احیای حکومت اسلامی و حضور قرآن و سنت را در جامعه فراهم آورند و این انقلابی بزرگ و اساسی بود، شبیه انقلابی که رسول الله(ص) در جامعه جاهلی پدید آورد و شاید از آن هم مشکل‌تر؛ زیرا تجدید یک انقلاب، گاه از ایجاد آن دشوارتر است. 12- در آغاز دوره چهارم، وضعیت شیعه بنا بر روایت امام صادق(ع) چنین بود: « ارتد الناس بعد الحسین(ع) الا ثلثه ابو خالد الکابلی و یحیی بن ام الطویل و جبیر بن معطم ثم ان الناس لحقوا و کثروا و کان یحیی بن ام الطویل یدخل مسجد رسول الله(ص) و یقول: کفرنا بکم و بدا بیننا و بینکم العداوه و البغضاء.»

پس از شهادت امام حسین(ع) همه منحرف شدند جز سه نفر: ابو خالد کابلی، یحیی بن ام طویل و جبیر بن معطم. بعدها دیگران ملحق شدند و شیعیان زیاد گردیدند. یحیی بن ام طویل به مسجد پیامبر(ص) در مدینه وارد می‌شد و خطاب به مردم می‌گفت: ما به شما کافریم و میان ما و شما خصومت و کینه است.

13- امام سجاد(ع) نمی‌توانست به صراحت خود را مستحق خلافت و حکومت اعلام کند؛ زیرا در آن صورت، خلیفه مقتدری چون عبدالملک بن مروان آن حضرت را پیش از آنکه موفق به انجام رسالتش شود، به شهادت می‌رساند و تشکیلات نوپای شیعه ویران می‌گردید.

14- البته در موارد نادری امام سجاد(ع) موضع حقیقی خود را در برابر حاکمان جور آشکار ساخت. اما آنچنان که خود را رویاروی آنان قرار دهد، بلکه تنها برای ثبت در تاریخ؛ مانند نامه‌ای که امام(ع) برای یکی از رجال دینی وابسته به حکومت بنی امیه به نام محمد بن شهاب زهري نوشته‌اند. نامه روشننگر امام زین‌العابدین(ع) در تحفة العقول ذکر شده است.

15- امام سجاد(ع) می‌فرمود: در همه حجاز، دستداران و علاق‌مندان ما به بیست نفر نمی‌رسد. هرچند آن حضرت فعالیت‌های آرام و مخفی داشت؛ اما گاه گاه خود و یارانش مورد آزار و اذیت حکومت وقت قرار می‌گرفتند و خود آن بزرگوار حداقل یک مرتبه با وضعی تأثرانگیز و بسته به غل و زنجیر تحت نظر مأموران بسیار از مدینه به شام برده شد و بارها مورد تعرض و شکنجه قرار گرفت و سرانجام در سال 95 هجری به وسیله ولید بن عبدالملک خلیفه اموی به شهادت رسید.

16- امام باقر(ع) در مراسم حج به حاجیان اشاره کرد و به یار رازدارش، فضیل بن یسار گفت: در جاهلیت نیز بدین گونه می‌گردیدند! فرمان آن است که به سوی ما کوچ کنند و پیوستگی و دوستی خود را به ما بگویند و یاری خویش را بر ما عرضه کنند. قرآن از قول ابراهیم(ع) می‌گوید: (بارها!) دل‌هایی از مردم را مشتاق ایشان کن!

17- یکی از یاران نزدیک امام باقر(ع) به نام جابر جعفی به دستور آن حضرت، کوفی بودن خود را کتمان می‌کند و وانمود می‌کند که از مردم مدینه است و نیز به فرمان آن بزرگوار، خود را به دیوانگی زد و حاکم کوفه که این وضع را مشاهده کرد گفت: خدا را شکر که از قتل او معاف ساخت!

18- امام باقر(ع) در برابر حاکم اموی (هشام بن عبدالملک) خطاب به مردم کرد و فرمود: « ایها الناس! این تذهبون؟ و این یرادیکم؟ بنا هدی الله اولکم و بنا یختم آخرکم، فان کان لکم ملک معجل فان لنا ملکا موجلا و لیس بعد ملکنا ملک، لانا اهل العاقبه یقول الله عزوجل و العاقبه للمتقین.»

به کجا می‌روید؟ ای مردم! و چه سرانجامی برای شما در نظر گرفته‌اند؟ به وسیله ما بود که خدا گذشتگان شما را هدایت کرد و به واسطه ما است که خدا مهر پایان بر کار شما می‌زند. اگر شما را دولتی مستعجل است، ما را دولتی پاینده خواهد بود و پس از دولت ما، کسی را دولتی نخواهد بود. چون ما اهل عاقبتیم که خدا فرمود عاقبت برای اهل تقواست.

19- ابو حمزه ثمالی گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می‌گفت: خدا برای این امر (تشکیل حکومت علوی) سال 70 را معین کرده بود. چون حسین(ع) کشته شد خدا بر خاکیان خشم گرفت. پس آن را تا سال 140 به تاخیر افکند... ما این موعد را برای شما (شیعیان) گفتیم و شما آن را افشا کردید. پس خدا دیگر موعدی را معین نکرد.

ابو حمزه این سخن را برای امام صادق(ع) بیان کرد. آن حضرت فرمود: آری، این چنین بود.

20- امام باقر(ع) به فرزندش امام صادق(ع) دستور داد که بعد از شهادت، بخشی از دارائی آن حضرت (800 درهم) را در مدت ده سال، صرف عزاداری و گریستن بر ایشان در صحرای منی و در موسم حج بنماید.

21- خطوط اصلی زندگی امام صادق(ع) چنین است:

1- تبلیغ و تبیین مسأله امامت شیعی.

2- بیان و تبلیغ احکام دین و تفسیر قرآن به روش اهل بیت علیهم السلام.

3- ایجاد تشکیلات سیاسی ایدئولوژیک به صورت مخفی.

4- هدایت پنهانی جنبش‌های نظامی علویان.

5- فعالیت سیاسی به صورت بیان توصیه‌ها، گفتارها و نگارش نامه‌ها و ذکر شعرهایی خاص.

22- آمیختگی سه مفهوم « رهبری سیاسی » و « آموزش دینی » و « تهذیب روحی » در امامت، ناشی از آن است که

اسلام در اصل، این سه جنبه را از یکدیگر تفکیک نکرده و به عنوان برنامه‌ای چند بعدی بر انسان عرضه کرده است. شیعه عقیده دارد که امام باید از جانب خدا تعیین شود.

23- کمیت، شاعر نامدار و بسیار هنرمند و یکی از معروف‌ترین چهره‌های شیعی و شهید گرایشهای تند علوی؛ در یکی از چندین قصیده معروف خود در توصیف ائمه اهل بیت علیهم السلام، آنان را سیاستمدارانی می‌داند که برخلاف حاکمان مسلط زمان، سرپرستی و زمامداری انسانها را با چوپانی گوسفندان و چارپایان، یکسان نمی‌سازند.

24- سخن اصلی امام صادق(ع) مانند دیگر امامان شیعه، عبارت از امامت بود و برای اثبات این واقعیت تاریخی، قاطع‌ترین مدرک، روایات فراوانی است که در آن امام صادق(ع) ادعای امامت را به روشنی و صراحت بیان کرده است.

25- مردی از اهل کوفه به خراسان رفت و مردم را به ولایت جعفر بن محمد(ع) دعوت کرد. جمعی پاسخ مثبت گفتند و اطاعت کردند و گروهی سرباز زدند و منکر شدند و فرقه‌ای احتیاط کردند و دست نگه داشتند... یکی از احتیاط‌کنندگان به مدینه و ملاقات امام صادق(ع) رفت. آن حضرت با لحنی اعتراض‌آمیز فرمود: اگر تو اهل ورع و احتیاط بودی؛ چرا در فلان مکان که فلان عمل هوس بازانه و شهوانی را انجام می‌دادی احتیاط نکردی؟!

26- فقه جعفری در برابر فقه رسمی آن روزگار، فقط یک اختلاف عقیده ساده نبود، بلکه دو مفهوم انتقادآمیز نیز داشت: نخست آنکه اثبات می‌کرد دستگاه حکومت از آگاهی دینی بی‌بهره است و نمی‌تواند امور فکری مردم را اداره کند و دیگر آنکه نشان می‌داد تحریف‌های بسیاری در فقه رسمی برای جلب نظر حکام جور نفوذ کرده است و نیز امام صادق(ع) با تفسیر قرآن به روشی غیر از روش عالمان درباری، عملاً به معاوضه با حکومت برخاست و تمام تشکیلات مذهبی و فقاہت رسمی را تخطئه کرد.

27- وجود تعابیری چون «باب»، «وکیل»، «صاحب سر»، «مستودع سر» در روایات امام صادق(ع) و نیز در تاریخ، نشان می‌دهد که آن حضرت تشکیلاتی سیاسی، ایدئولوژیک را به صورت پنهانی هدایت می‌کرد. مثلاً محمد بن سنان «باب» امام صادق(ع) و زراره و برید و محمد بن مسلم و ابوبصیر، «مستودع سر» آن حضرت و معلی بن خنیس، وکیل آن بزرگوار بود.

منبع: ایرنا